



بررسی رویکرد سیاست خارجی روسیه به مسئله هسته‌ای ایران در دوره پساجام

علیرضا سمیعی اصفهانی^۱، فاطمه شایان^۲، مینا ابراهیمی طادی^۳

۳۱

چکیده

بیش از یک دهه از تبدیل شدن برنامه هسته‌ای ایران به یک مناقشه در روابط ایران و قدرت‌های بزرگ می‌گذرد. توافق نامه هسته‌ای ایران که در سال ۱۳۹۴ بین کشورهای ۵+۱ (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس، آلمان) به انجام رسید، با خارج شدن یک جانبه آمریکا از برجام به حالت تعلیق درآمده است. اگرچه کشورهای غربی و اروپایی از ابتدا با انرژی هسته‌ای ایران مخالف بودند اما در این میان کشورهایی مانند چین و روسیه نیز از موضوع هسته‌ای ایران حمایت کردند. روسیه بویژه، از یک طرف همسو با آمریکا از قدرت گرفتن هسته‌ای ایران نگران هستند و از سوی دیگر از انرژی هسته‌ای ایران حمایت می‌کنند. هدف اصلی پژوهش با تمرکز بر موضع روسیه، ارزیابی سیاست خارجی این کشور در قبال مسئله هسته‌ای ایران در دوره پساجام بر پایه نظریه پیوستگی سطح تحلیل جیمز روزنا است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه روسیه از برنامه انرژی هسته‌ای ایران حمایت می‌کند و با تحریم‌های آمریکا علیه ایران موافق نیست، با این حال به دلیل منافع و تعاملات تجاری و اقتصادی که با کشورهای اروپایی دارد، سیاست دوگانه‌ای را برگزیده است. به عبارت روشن‌تر این کشور با ایران هسته‌ای مخالف و به دنبال دستیابی به جایگاه ابرقدرتی خود است. روش پژوهش کیفی، روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و داده‌های فضای مجازی و روش تحلیل؛ توصیفی-تبیینی است.

کلیدواژه‌ها: انرژی هسته‌ای، سیاست خارجی، پساجام، منافع ملی، روسیه، ایران.

دوره ۸، شماره ۴، پیاپی ۳۱

زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۲/۲۶

صص: ۳۵۷-۳۸۲

شاپا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

a.samiee@ase.ui.ac.ir

۲. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه

روابط ایران و روسیه در سده‌های پیاپی فراز و نشیب زیادی داشته است. ایران با داشتن موقعیت بی‌مانند ژئوپولیتیک، همواره از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی روسیه برخوردار بوده است. برداشت عمومی از روابط روسیه با ایران در دهه‌های اخیر روابطی بسیار گرم و نزدیک است، اما واقعیت‌های تاریخی درباره روابط مسکو و تهران نشان‌دهنده پیچیدگی این مناسبات همراه با پستی و بلندی‌های زیادی است که به عوامل گوناگون دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی بستگی داشته است. در زمینه مساله هسته‌ای، روسیه یکی از مهم‌ترین کشورهای تأثیرگذار در روند برنامه هسته‌ای بوده ایران است. با اجرایی شدن برجام و تغییرات در محیط پیرامونی دو کشور و تحولات خاورمیانه، بسترها برای همکاری فیمابین بیش از پیش، گسترده شده است. به طور کلی، در جریان پرونده هسته‌ای ایران، این کشور همواره رویکرد دوگانه‌ای اتخاذ کرده است به گونه‌ای که گاهی حامی ایران در دستیابی به انرژی هسته‌ای بوده و گاهی نیز قطعنامه‌هایی را بر علیه ایران امضا کرده است. با این توصیف، پرسش اصلی پژوهش پیش رو این است که چرا رویکرد سیاست خارجی روسیه در قبال مسئله هسته‌ای ایران، پیچیدگی بسیاری داشته و در دوره پسابرجام (۱۳۹۶ تاکنون) مواضع متفاوتی را اتخاذ کرده است؟ برای تبیین بهتر موضوع، از نظریه پیوستگی جیمز روزنا به مثابه نظریه‌ای چند سطحی بر مبنای پنج متغیر پایه (فرد، نقش، حکومت، جامعه و نظام بین‌المللی) بهره گرفته شده است. پژوهش تلاش می‌کند به پرسش‌های فرعی زیر پاسخ گوید: متغیر فرد در رویکرد روسیه نسبت به انرژی هسته‌ای ایران کدام است؟ ۲. متغیر نقش در رویکرد روسیه نسبت به انرژی هسته‌ای ایران چه تأثیر داشته است؟ ۳. متغیر جامعه در رویکرد روسیه نسبت به انرژی هسته‌ای ایران کدام است؟ ۴. متغیر حکومتی در رویکرد نسبت به انرژی هسته‌ای ایران کدام است؟ ۵. متغیر بین‌المللی در رویکرد روسیه نسبت به انرژی هسته‌ای ایران چه تأثیری داشته است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، در ابتدا، مولفه‌های بنیادین چارچوب نظری ۵ سطحی روزنا معرفی و سپس بر پایه این مولفه‌ها، رویکرد سیاست خارجی روسیه در قبال مساله هسته‌ای ایران در عصر پسابرجام مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- بنیان نظری و مفهومی پژوهش

در بررسی سیاست خارجی دولت‌ها سه رهیافت؛ کلان، خرد و مرکب وجود دارد. در سطح تحلیل خرد، متغیرها و عوامل داخلی موثر بر جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها بررسی می‌شود. از رهیافت‌هایی که در چارچوب سطح خرد قرار می‌گیرد نظریه واقع‌گرایی کلاسیک است (عابدی اردکانی و عسکری، ۱۳۹۸: ۴۳۵). تاکید نویسندگان این رهیافت بر تاثیر ساختار داخلی کشورها بر رفتار خارجی آنها است و معتقدند که برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی باید به داخل جوامع توجه کرد و اندیشه تصمیم‌گیران سیاست خارجی را مورد بررسی قرار داد (اسماعیلی و نوری، ۱۴۰۰: ۲۶۴).

آنچه باعث تفاوت سطح خرد و کلان می‌شود تاکید نظریه سطح کلان بر نقش تعیین‌کنندگی محیط بین‌المللی بر سیاست خارجی است. از نظریات تاثیرگذار بر سطح تحلیل کلان، نظریه نو واقع‌گرایی است. نو واقع‌گرایی نظریه سیاست بین‌الملل است که دچار تقلیل‌گرایی زیادی شده است. زیرا تنها به تبیین نتایج بین‌المللی ناشی از کنش و واکنش‌ها می‌پردازد و عوامل داخلی را مورد توجه قرار نمی‌دهد. کشورها مثل جعبه سیاهی هستند که عوامل داخلی از جمله فردی و اجتماعی تاثیری بر رفتار سیاست خارجی آن ندارند (عابدی اردکانی و عسکری، ۱۳۹۸: ۴۳۷ - ۴۳۸). در این میان، الگوی پیوستگی جیمز روزنا از نظریه‌هایی است که قائل به پیوستگی دو سطح تحلیل خرد و کلان در بررسی سیاست خارجی کشورهاست. روزنا در سطح تحلیل خرد عوامل داخلی کشورها مانند متغیر فرد، نقش، حکومت، جامعه و در سطح تحلیل کلان، نظام بین‌المللی را بررسی می‌کند (Rosenau, 1971:98).

طرح تحلیلی روزنا در حقیقت تکمیل و گسترش نظریه تصمیم‌گیری اسنایدر است که برخلاف نظریه اسنایدر تنها به نقش تصمیم‌گیرندگان در سیاست خارجی توجه ندارد؛ بلکه در کنار مولفه‌های خرد تحلیلی، شاخصه‌های کلان سیستمی را در نظر می‌گیرد (Starr, 1998:5).

این نظریه هرکدام از متغیرهای داخلی یا خارجی را همزمان و بدون تقلیل دیگری بررسی کرده و به مجموعه وسیعی از فرایندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناسانه اشاره کرده است که بر رفتار سیاست خارجی جوامع تاثیر می‌گذارد (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۶-۱۲۷). این متغیرها عبارتند از:

- متغیر «فرد» تصمیم‌گیرنده: خصوصیات منحصر به فرد تصمیم‌گیرندگان و نخبگان که شامل ویژگی‌های روانشناختی، ژنتیک و زیست‌شناختی، عقاید، برداشتها و جهان‌بینی رهبران و سیاست‌گذاران می‌شود (Rosenau, 2006: 172).
 - متغیر «نقش» فرد تصمیم‌گیرنده: شامل کارکرد اختصاصی هر ساختار است، به عبارت دیگر، باید‌ها و نباید‌های تحمیل شده از سوی یک نقش معین را در بر می‌گیرد.
 - متغیر حکومتی: ماهیت یک نظام سیاسی (دموکراتیک، اقتدارگرا و توتالیتر بودن) در کنار ویژگی‌های بوروکراسی حاکم بر آن متغیر حکومتی را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، ابزارهایی متمرکز است که سیاست‌گذاران برای دستیابی به اهداف خاص در روابط خارجی از آنها استفاده می‌کنند (Marleku, 2012: 85).
 - متغیر اجتماعی: ویژگی‌های غیر حکومتی یک جامعه مانند فرهنگ سیاسی، ایدئولوژی، جایگاه بین‌المللی و مانند آن را شامل می‌شود.
 - متغیر سیستمی (محیط بین‌المللی): این سطح شامل ساختار نظام بین‌الملل و ارزش‌های حاکم بر آن (لیبرالیسم، حقوق بشر و اخیراً مسائل زیست‌محیطی) می‌شود (نوری و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۸۲).
- از نظر روزنا میزان نفوذ هر یک از عوامل فوق به پنج عامل بستگی دارد: ۱) قدرت بازیگر که کشورها را به دو دسته کوچک و بزرگ تقسیم می‌کند ۲) شرایط اقتصادی بازیگر که کشورهای توسعه‌یافته را از توسعه نیافته جدا می‌کند. ۳) ماهیت باز و بسته ساختار اجتماعی ۴) رخنه‌پذیری و رخنه‌ناپذیری ساختار فرهنگ ۵) حوزه‌های موضوعی مختلف منزلتی، مادی و حیثیتی (دهشیری و آخشی، ۱۳۹۹: ۱۹۷).

۲- عملکرد روسیه در شورای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تأثیر آن بر مسئله هسته‌ای

روسیه در آغاز مطرح شدن برنامه هسته‌ای ایران به عنوان اختلافی بین‌المللی، به طور مستقیم در جریان گفت‌وگوها نبود. در این مرحله گفت‌وگوها میان ایران و سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه برگزار می‌شد و هنوز این مسئله به شورای امنیت ارجاع داده نشده بود؛ روسیه نیز به روش‌های گوناگون سعی می‌کرد که نقش خود را در این موضوع افزایش دهد (هادیان و زرگری، ۱۳۹۷: ۲۵۴-۲۵۵). به طور کلی در خصوص عملکرد روسیه در قبال مساله هسته‌ای ایران به سه مقطع می‌توان اشاره نمود:

مقطع اول) دفاع روسیه از مواضع ایران در چارچوب آژانس قبل از تصویب اولین قطعنامه در شورای حکام آژانس در ژوئن ۲۰۰۳ در اجلاس سران هشت کشور صنعتی، روسیه به آنها اطمینان داد تا موقعی که ایران پروتکل را امضا نکرده است، تجهیزات هسته‌ای به ایران را تحویل نمی‌دهد (مرادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۱۴).

روسیه تأکید داشت که این مسئله باید از طریق دیپلماسی حل شود و مسکو سعی کرد با ارائه پیشنهاد غنی‌سازی اورانیوم برای ایران در خاک روسیه و مخالفت اولیه با اعمال تحریم‌های بین‌المللی، موضعی میانه بین غرب و ایران به کار بگیرد (نوروزی و رومی، ۱۳۹۳: ۱۰۴). براین اساس از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۰۵ روسیه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برضد ایران اقدامی نکرده است.

مقطع دوم) چرخش روسیه به سوی غرب: در این مقطع، قطعنامه ۲ سپتامبر ۲۰۰۵ که مبتنی بر مکانیسم ماشه بود به تصویب رسید و روسیه به آن رأی ممتنع داده بود. روسیه از ایران خواست تا با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به صورت کامل همکاری کند.

مقطع سوم) موضع‌گیری روسیه بر ضد مواضع و منافع ایران: روسیه در تصویب نهمین قطعنامه شورای حکام در تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۱۵ برابر با ۴ فوریه ۲۰۰۶ رأی مثبت داد و موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع شد. روسیه در اجلاس ژوئن ۲۰۰۶ شورای حکام، طرحی را موسوم به طرح شش کشور فرانسه، آلمان، هلند، آمریکا، بریتانیا و روسیه ارائه داد که انحصار تولید سوخت هسته‌ای را کنترل و هدایت کنند. این طرح در مخالفت با چرخه سوخت هسته‌ای ایران است و نشان می‌دهد که روسیه تا چه اندازه با غرب همگراست (مرادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۱۴).

عملکرد روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص مسئله هسته‌ای ایران را در دو مقطع می‌توان بررسی نمود:

مقطع اول) ضدیت با منافع جمهوری اسلامی ایران: در این مقطع، روسیه موافق بیانیه ۲۹ مارس ۲۰۰۶ بود که براساس آن شورا از ایران می‌خواهد که به غنی‌سازی اورانیوم خاتمه دهد. همچنین روسیه با شش قطعنامه برضد فعالیت هسته‌ای ایران موافق بوده است. دلیل همراهی روسیه با غرب در این مقطع این بود که آمریکا و متحدانش فشارهای شدید سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی بر روسیه وارد می‌نمودند و از طرفی، روسیه نمی‌خواست که ایران به یک قدرت هسته‌ای تبدیل شود. کلیه قطعنامه‌های

مذکور در دورانی است که گفتمان اوراسیاگرایی سنتی یا کلاسیک بر سیاست خارجی روسیه مسلط بود و هنوز روسیه با غرب دارای تعاملاتی نیز بود.

مقطع دوم) در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران؛ در این راستا، قطعنامه ۲۲۳۱ در تاریخ ۲۰ ژوئیه سال ۲۰۱۵ با رأی موافق روسیه و اعضای دیگر به تصویب رسید و ۶ قطعنامه پیشین که علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران صادر شده بود را لغو کرد. این قطعنامه در دوران اوراسیاگرایی جدید روسیه و در دوره سوم ریاست جمهوری پوتین به تصویب رسید. تجلی این گفتمان در رفتار کشور روسیه نمایان شد که با رویکرد دوگانه کنترلی و تعدیلی به دنبال ایجاد فشار برای کنترل پیشرفت‌های هسته‌ای ایران و همینطور تعدیل فشارهای غرب علیه آن با هدف جلوگیری از اقدام نظامی آمریکا شکل گرفت (مرادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۱۴-۳۱۵).

۳- سیاست خارجی روسیه در قبال مسئله هسته‌ای ایران بر پایه نظریه پیوستگی روزنا

نظریه پیوستگی روزنا موضوعات سیاست خارجی را در ۵ سطح فرد، نقش، حکومت، متغیر اجتماعی و متغیر سیستمی (نظام بین‌الملل) مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه تلاش می‌گردد بر پایه این چارچوب نظری رویکرد و مواضع روسیه در قبال مساله هسته‌ای ایران تبیین گردد.

۳-۱- متغیر فردی؛ قانون اساسی روسیه در سال ۱۹۹۳، نقش ویژه ای برای رئیس‌جمهور نسبت به سایر قوا در برابر سیاست خارجی قائل شده است. همچنین عدم نظارت و کنترل بر رئیس‌جمهور و اختیارات گسترده او نیز باعث افزایش قدرت فردی او شده است. پوتین از نظر فردی ملی‌گرا، واقع‌نگر، عملگرا و وفادار به اصلاحات روسیه است و با یلتسین قابل مقایسه نیست. یلتسین تا حدی حکومت را به دست نزدیکان خود می‌سپرد، اما پوتین تلاش می‌کند تا قدرت را کاملاً به دست گیرد (افشار بکشلو، ۱۳۹۱: ۴-۵).

پوتین در اولین ماه‌های به قدرت رسیدن خود بیشتر جهت‌گیری‌های ملی‌گرایانه را پیگیری می‌کرد، اما سریعاً ملی‌گرایی او با واقع‌گرایی گره خورد. از یک سو با توجه به شرایط یازده سپتامبر، با گسترش روابط خود با آمریکا به تأمین نیازهای داخلی و خارجی خود پرداخت و از سوی دیگر فروش سلاح و همکاری با ایران را ادامه داد. بنابراین، سیاست پوتین در این دوران دوری از انتخاب کامل آمریکا یا ایران بوده است (محمدری نو دهکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۴). پوتین با درکی واقع‌بینانه از کارآمد نبودن

سیاست خارجی یلتسین سعی کرد، بیشترین اجماع را در محیط داخلی و بیشترین سازگاری را در محیط خارجی به دست آورد و از این راه احتمال دستیابی اهداف سیاست خارجی روسیه را افزایش دهد. روش پوتین در سیاست خارجی خود پس از به قدرت رسیدن، تلفیقی از راهبرد نگاه به غرب کوزیروف و نگاه به شرق پریماکوف بود. در رویکرد نگاه به غرب یا آتلاتیک‌گرایی تعامل و همکاری راهبردی به مثابه یک اولویت اساسی بیان شده است. در حالی که در رویکرد اوراسیاگرایی نگاه به شرق و بازگشت روسیه به مناطق ژئوپولتیک دوران اتحاد جماهیر شوروی مدنظر بود (ثمودی پبله رود و اکبری، ۱۳۹۱: ۵۷).

این سیاست پوتین با شدت یافتن بحران موضوع هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۳ به بعد همچنان ادامه دارد. از یک سو، مقامات روسیه در مقابل ادعاهای غرب و تحریم‌های شدید آنها علیه برنامه هسته‌ای مخالفت کرده و حتی با صدور قطعنامه‌های جدید شورای امنیت موافق نبودند، اما از طرف دیگر، سرانجام با قطعنامه‌های شورای امنیت موافقت کرده و ایران را به شفاف نبودن فعالیت‌های هسته‌ای‌اش متهم می‌کنند (محمدی نو دهکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۴). پوتین با هرگونه مداخله نظامی غرب علیه ایران مخالف است تنها نقطه مشترک پوتین با غرب توافق بر عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است (ابوالحسن شیرازی و بهبودی نژاد، ۱۳۹۵: ۹).

در مورد همکاری هسته‌ای روسیه با ایران، پوتین تأکید کرد که تا جایی که به انرژی مربوط می‌شود، منحصراً بر مسائل اقتصادی تمرکز دارد (Islam, 2010: 1).

در نتیجه کسانی که به متغیرهای فردی تأکید دارند نوسانات سیاست خارجی روسیه در دوران نخست را به خاطر شخصیت یلتسین می‌دانند. در مقابل اقتدار بین‌المللی مسکو و سیاست‌های مستقل روسیه در برابر غرب را ناشی از شخصیت پوتین می‌دانند (محمدی نو دهکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۶). دیدگاه مدودف درباره ایران: سیاست دوگانه روسیه در برابر ایران را به طور شفاف‌تری می‌توان در دیدار دیمیتری مدودف با رهبران و یهودیان اروپا دید او گفته بود که ایران باید در فعالیت هسته‌ای خود شفافیت بیشتری ارائه کرده و خواسته‌های جهانی را بپذیرد و اگر این موارد عمل نشود، مواضع سخت‌تری از سوی مسکو اعمال خواهد شد. در دوران ریاست جمهوری مدودف با توجه به مذاکرات

1 Andrey kozirov

2 Dmitry Anatolyevich Medvedev

پشت پرده روسیه و طرف آمریکایی، با وجود مخالفت‌های اولیه با قطعنامه‌های شورای امنیت در نهایت با همه آنها موافقت شد (محمدی نو دهکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

ولادیمیر پوتین در دوره اول و دوم ریاست جمهوری بیشتر نگاهی منفعت‌گرا به ایران داشت، اما از هنگامی که دوباره برای بار سوم به عنوان رئیس‌جمهور روسیه انتخاب شد مواضع بهتری در قبال ایران در پیش گرفت (خلفی و طاهر خانی، ۱۴۰۰: ۱۳).

با این حال پوتین در اولین روزهای فعالیتش در کرملین در دوره سوم ریاست جمهوری با خطاب قرار دادن وزارت امور خارجه این کشور بر لزوم حل و فصل موضوع برنامه هسته‌ای ایران از طریق دیپلماتیک و از طریق برقراری گفت و گوها بر اساس اصول گام به گام و اقدام متقابل تأکید کرد (کریمی کشه و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۲).

۲-۳- متغیر نقش؛ با روی کار آمدن بوریس یلتسین و سیاستمداران غرب‌گرا در روسیه، ایران به عنوان منبع تهدید روسیه مطرح بود که بیشتر به دلیل نقش و نفوذ ایران در گروه‌ها و جنبش‌های منطقه‌ای بر می‌گشت (آقایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۲). در فوریه ۱۹۹۲، یلتسین بر تقویت جایگاه جدید روسیه در جامعه بین‌المللی متمدن و تأمین کمک غرب برای اصلاحات اقتصادی به عنوان دو اصل سیاست خارجی تأکید کرد (صادقی، ۱۳۹۷: ۹۹).

در این دوره روسیه در داخل با مشکلات سیاسی و اقتصادی زیادی درگیر بود و امیدوار بود با کنار گذاشتن مقابله ایدئولوژیک، ایالات متحده نیز در قبال این کشور رویکرد دوستانه‌ای برگزیند و این رابطه به همکاری استراتژیک هردو طرف منتهی شود. اما رهبران روسیه به زودی دریافتند که نه تنها نمی‌توانند از آمریکا انتظار زیادی داشته باشند، بلکه در حوزه منافع خود در مرزهای نزدیک از یکسو در رقابت با رقبایی چون ایالات متحده آمریکا و ترکیه و از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران هستند. گسترش رابطه روسیه و ایران به دو دلیل در دستور کار سیاست خارجی روسیه قرار گرفت: (۱) تداوم حضور آمریکا در خلیج فارس پس از جنگ کویت (۲) بهبود رابطه با تهران به دلیل ممانعت از نفوذ ایران به آسیای مرکزی و قفقاز (عابدی، ۱۳۸۸: ۱۱۲). پریماکوف در در سفرهای خود به ایران بر گسترش روابط دو جانبه تأکید کرد. او نقش مهمی در تحول سیاست خارجی روسیه داشت و در زمینه مسائلی مانند کاهش سلاح‌های هسته‌ای و همکاری با غرب، مواضعی محافظه‌کارانه داشت (بهرامی مقدم و ستوده، ۱۳۹۳: ۳۳).

از دید پریماکوف روسیه از ابزارهای خود در مقابل آمریکا و اروپا به خوبی استفاده نکرده و باید از طریق توسعه روابط با کشورهای اسلامی به ویژه ایران به نفع خود بهره برداری کند و از آن به عنوان فرصت بهتری در مذاکره و چانه زنی با غرب به ویژه آمریکا فراهم آورد (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

سیاست خارجی دولت پوتین در ماه‌های اول ریاست جمهوری خود در دوره اول، دنباله رو سیاست‌های یوگنی پریماکف بود که برخلاف سال‌های اول پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چندان همگرایی با سیاست‌های ایالات متحده آمریکا نداشت. پریماکوف طرفدار همکاری و رابطه با کشورهای چین، هند و ایران بود و دیگر کشورها برای موازنه قدرت با هژمونی آمریکا بود (ثمودی پيله رود و اکبری، ۱۳۹۱: ۵۹).

بنابراین پوتین در دوره اول ریاست جمهوری همکاری هسته‌ای و به عبارت بهتر همکاری در زمینه فناوری برتر را به عنوان بخش مهمی از روابط استراتژیک با تهران در نظر می‌گرفت (Orlov and Vinnikov, 2005: 47).

در دوره پوتین مواضع اوراسیا گرایان تقویت شد و روابط روسیه و ایران افزایش یافت در این دوره ضمن همکاری دو طرف در موضوع‌هایی مانند مقابله با نفوذ غرب در منطقه، روسیه به افزایش همکاری هسته‌ای با ایران متمایل شد (هادیان و زرگری، ۱۳۹۷: ۲۵۲-۲۵۳). در اوایل سال ۲۰۰۱ پوتین خط مشی خود را عوض کرد و به سوی همکاری با کشورهای غرب گرایش پیدا کرد (ثمودی پيله رود و اکبری، ۱۳۹۱: ۵۹). اما به طور کلی، در اولین دوره ریاست جمهوری پوتین، ماهیت و محتوای عملکرد سیاست خارجی روسیه با سیاست خارجی یلتسین متفاوت نبود بلکه حتی در مواردی می‌توان رفتار تعامل-گرایانه‌ای دید که پیش از آن امکان پیگیری آن‌ها نبود. در دوره بعدی ریاست جمهوری (۲۰۰۴-۲۰۰۸) سیاست خارجی روسیه به طور کامل با دوره اول متفاوت بود و تحلیل‌گران سیاست خارجی او را تهاجمی، تحکم‌آمیز، توسعه‌طلبانه توصیف کردند (موسوی شفقانی و بازگرد، ۱۳۹۵: ۳۸۲).

اولویت روسیه در سیاست خارجی دفاع از حیات و ارزش‌های ملت روسیه در سراسر جهان است. منافع ملی روسیه مشارکت با مناطقی است که با این کشور روابط دوستانه دارند. با این حال، مدودف نیز همانند پوتین، رویکرد نسبتاً مستقلی را نسبت به مسئله هسته‌ای ایران در پیش گرفت و تلاش می‌کرد در برنامه هسته‌ای ایران به عنوان بازیگری قدرتمند و مقتدر میان ایران و غرب نقش ایفا کند. به صورتی که برنامه هسته‌ای ایران و همکاری مسکو با تهران، باعث می‌شد از یک سو روابط

کرم‌لین و کاخ سفید تحت تاثیر قرار بگیرد و از سوی دیگر مسکو را به بازیگری مهم میان ایران و غرب تبدیل کند. روس‌ها برای آنکه از یک سو به تهدیدهای آمریکا در حوزه گسترش ناتو به شرق و طرح‌های مانند سپر دفاع موشکی پاسخ دهند و از سوی دیگر در زمینه تعاملات جهانی قدرت‌های بزرگ نیز خارج نشوند و با تاکید بر موضوعاتی مانند؛ برنامه هسته‌ای ایران، سعی می‌کردند از غرب امتیاز بگیرند. می‌توان روسیه را کشوری دانست که از یک طرف به رفع تحریم‌های بین‌المللی و از طرف دیگر کسب منافع بیشتر را دنبال می‌کند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۵: ۳۸).

پوتین در دوره اول و دوم ریاست جمهوری خود بیشتر نگاهی منفعت‌گرا به ایران داشت، اما از زمان انتخاب مجددش برای سومین بار، مواضع مناسب‌تری در قبال ایران در پیش گرفت. به طوری که می‌توان گفت در چهار سال گذشته روابط ایران و روسیه به نقطه اوج خود و در سطح همکاری‌های استراتژیک ارتقا پیدا کرده است (خلفی و طاهرخانی، ۱۴۰۰: ۱۳).

اما به هر حال یک اصل بنیادین در سیاست خارجی پوتین این است که روسیه نباید برای حمایت از دوستان و متحدان قدیمی از منافع بنیادینش هزینه کند. به این ترتیب هرچند ایران و سوریه برای روسیه با اهمیت هستند اما مسکو تمایل ندارد که برای حمایت از آن‌ها به کشمکش مخرب با غرب وارد شود (ابوالحسن شیرازی و بهبودی نژاد، ۱۳۹۵: ۹).

آنچه باعث نزدیکی پوتین به ایران شده است در واقع بهره گرفتن از کارت ایران برای به چالش کشیدن سلطه‌طلبی آمریکا مخصوصاً در منطقه خاورمیانه است. ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران در مخالفت با نظم غربی باعث نزدیکی ایران به مسکو شده است. اما کرم‌لین نشان داده این نزدیکی را تا جایی ادامه می‌دهد که بر اساس اصل هزینه و فایده بتواند از غرب امتیاز بگیرد. برای نمونه، در جایی که مانور دو کشور در توسعه روابط در چند سال اخیر بسیار دیده شده اما روسیه حاضر نشده هیچ یک از قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران را در شورای امنیت سازمان ملل و تو کند. از سال ۲۰۰۶ چرخش روسیه برای همراهی با آمریکا و اتحادیه اروپا برای فشار بر سر برنامه هسته‌ای ایران شروع شد و سرانجام با موافقت روس‌ها در سال ۲۰۱۰ قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت شامل دشوارترین تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران تصویب شد (موسوی و نائینی، ۱۳۹۸: ۵۰۹-۵۱۰).

با این حال، در دوران ریاست جمهوری پوتین مخصوصاً از سال ۲۰۱۲، ایران در سیاست خارجی روسیه از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. در این دوره در برخی مواقع پوتین، ایران را یک متحد

استراتژیک خود توصیف کرده و در مواقع دیگر به راحتی از کارت ایران استفاده کرده و در قبال گرفتن امتیازات بیشتر، باعث قربانی شدن منافع این کشور شده است (صادقی، ۱۳۹۷: ۸۹).

۳-۳- متغیر حکومتی: روسیه یک کشور فدرال نیمه ریاستی است. رئیس جمهور با رای عمومی توسط رای گیری مخفی در یک نظام انتخاباتی اکثریتی مطلق و به مدت شش سال انتخاب می شود. هر فرد می تواند به دو دوره متوالی رئیس جمهور شود. طبق ماده هشتاد قانون اساسی فدراسیون روسیه، رئیس جمهور مطابق با قانون اساسی فدراسیون روسیه و قوانین فدرال، اهداف اساسی سیاست داخلی و سیاست خارجی دولت را تعیین می کند. همچنین بر اساس ماده هشتاد و شش قانون اساسی، سرپرستی و هدایت سیاست خارجی، رهبری مذاکرات و امضای معاهدات بین المللی، امضای توافق نامه ها، پذیرش استوارنامه ها و فراخوانی نمایندگان دیپلماتیک بر عهده رئیس جمهور فدراسیون روسیه است (ولی پور مطلق: ۱۴۰۰).

از زمان ریاست جمهوری پوتین قدرت در سیاست خارجی توسط قوه مجریه به شدت متمرکز شده است و قوه مقننه و قضائیه نقش خاصی در سیاست خارجی روسیه ندارد. بنابر قانون اساسی روسیه، رئیس جمهور به عنوان رئیس قوه مجریه در سیاست خارجی روسیه نقش اصلی را دارد و از آن جایی که نظام سیاسی روسیه ترکیبی از دموکراسی و اقتدارگرایی است، بسیاری از نهادهای دموکراتیک جایگاه ویژه ای در سیاست خارجی روسیه ندارند. بنابراین، سیاست خارجی روسیه پیرامون محور قوه مجریه تدوین و اجرا شد (جعفری و شفقت نیا، ۱۴۰۱: ۳۸-۳۹).

۳-۴- متغیر اجتماعی: گفتمان های بر تفکرات نخبگان روسی عبارتند از؛ آتلانتیک گرایان^۱، اوراسیا گرایان^۲، ملی گرایان^۳ و نو اوراسیا گرایان^۴.

۱-۳-۴- گفتمان ملی گرا (۱۹۹۱-۱۹۹۲): این گفتمان بیشتر در دومای روسیه وجود دارد. مخالفت با آمریکا و سیاست خارجی دنباله رو آن، بازگشت و احیای مظاهر دوران شوروی، اعاده قدرت مسکو در جمهوری های جدا شده از روسیه و ورود به مسائل منطقه بالکان و خاورمیانه از اهداف مطرح شده از سمت ملی گرایان است. ژیرینفسکی^۵ برجسته ترین شخصیت این دیدگاه است (عطایی، ۱۳۹۸: ۱۶۵).

1 Atlantism
2 Eurasinism
3 Nationalisme
4 Vladimir Zhirinevsky

با توجه به این که این گفتمان به مخالفت با آمریکا می‌پردازد و در پی احیای قدرت روسیه در جهان است، بنابراین به گسترش رابطه با کشورهای مستقل جهان از جمله ایران توجه دارد (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶: ۱۵۶).

این گروه به استفاده ابزاری از ایران مانند هر کشور دیگری برای موازنه‌سازی با غرب مخصوصاً با آمریکا و یا معادلات اقتصادی با سودهای کلان اعتقاد دارند و معتقد هستند ایران جایگاهی در خانواده روسیه که تمدنی در اصل اروپایی-مسیحی است ندارد. به تعامل نظامی گسترده با ایران نیز معتقد نیستند (خلفی و طاهرخانی، ۱۴۰۰: ۱۳). رفتارهای روسیه شامل تحدید حدود دریای خزر، تأخیر پیوسته روسیه در تأسیس نیروگاه بوشهر، دخالت در سوریه، مسائل نفتی، توافق خرید تسلیحاتی، روابط روسیه و اسرائیل همگی نشان‌دهنده رفتارهای روسیه نسبت به ایران ناشی از تفکرات ژیرونوفسکی است (عطایی، ۱۳۹۸: ۱۸۶).

۲-۳- **گفتمان آتلانتیک‌گرایان (۱۹۹۶-۱۹۹۲):** این گفتمان کوششی برای مشابهت دادن ارزش‌ها و مفاهیم روسی و غربی و قسمتی مهم از گفتمان کثرت‌گرای روابط بین‌الملل در دوره بعد از شوروی بود که بر همگرایی همه‌جانبه با غرب و تثبیت جایگاه روسیه به عنوان کشوری هنجارمند و شریکی مورد اطمینان در جامعه کشورهای متمدن تأکید می‌کرد (بهرامی مقدم و ستوده، ۱۳۹۳: ۲۹، کولایی و نوری، ۱۳۸۹: ۲۱۱).

در دهه ۱۹۹۰ میلادی و در اوایل دوران هشت ساله ریاست جمهوری یلتسین گفتمان هویتی آتلانتیک‌گرایی عنصر اساسی تعیین‌کننده سیاست خارجی روسیه بود و روابط بسیار دوستانه‌ای بین روسیه و آمریکا برقرار بود. کوزیروف که مهم‌ترین فرد طرفدار این گفتمان بود مشارکت راهبردی با غرب مخصوصاً آمریکا معتقد بود و به همین خاطر بارها از ملاقات با وزیر خارجه ایران طفره رفت، این اقدام متأثر از هویت اروپایی روسیه بود (بهرامی مقدم و ستوده، ۱۳۹۳: ۳۰). آتلانتیک‌گرایان همچنین، اسلام را خطر بالقوه مهمی می‌دانستند که امنیت و منافع دیگر روسیه را تهدید می‌کرد. بر این اساس، ایران پشتیبان اصلی دعوت اسلامی ارزیابی می‌شد. بنابراین نه متحدی بالقوه، بلکه خطری برای منافع روسیه بود. در این دوره که از سال ۱۹۹۱ آغاز و با برخی تعدیل‌ها تا سال ۱۹۹۵ به پایان رسید، روسیه کمابیش به تعهدهای گذشته خود در زمینه اجرای قراردادهای نظامی وفادار ماند؛ اما در ابعاد سیاسی و امنیتی روابط زیادی میان دو کشور وجود نداشت. همچنین متأثر از روابط با غرب و فشارهای

آمریکا، موافقت نامه گور- چرنومردین درباره تمدید نشدن معاهده های نظامی با ایران را امضا کرد. علاوه بر این کار در راکتور هسته ای بوشهر به آرامی انجام می شد، چرا که واشنگتن نگران کامل شدن آن بود. این ملاحظات نشان داد که مسکو تمایلی ندارد، واشنگتن را با بهبود روابط با تهران ناراحت کند و باور دارند نباید تعامل با غرب را قربانی رابطه با ایران کرد (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

۳-۴-۳- گفتمان اوراسیا گرایی (۱۹۹۶-۱۹۹۹): تاکید این گفتمان بر این است که روسیه یک هویت تلفیقی آسیایی و اروپایی دارد. آنها به توسعه همکاری روسیه با قدرتهای غربی و شرقی معتقد هستند و از روابط روسیه با ایالات متحده، قدرت های اروپایی، چین و ژاپن، ایران و دیگر دولت های جهان پشتیبانی می کنند (بهرامی مقدم و ستوده، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۳). به باور اوراسیا گرایان روسیه نیازمند روابط با ثبات با شرق و غرب است اما همانند دیدگاه قلب زمین مکیندر، منطقه اصلی برای مانور سیاست خارجی روسیه را اوراسیا می دانند و بقیه مناطق جهان را پیرامونی تصور می کنند (بهرامی مقدم و ستوده، ۱۳۹۳: ۳۴).

از نظر این گروه ایران کشوری است که می توان آن را متحدی ثابت برای روسیه فرض کرد و همچنین این گروه قبول نمی کنند که ایران برگی برای چانه زنی در روابط روسیه با غرب باشد (مولایی و زرگری، ۱۳۹۵: ۴۲۹). در واقع این گفتمان برای ایران اهمیت سیاسی و امنیتی قائل هستند (صادقی، ۱۳۹۷: ۸۹).

به عبارتی روسیه به عنوان یک ابرقدرت هسته ای و همانند دیگر کشورهای دارای تسلیحات هسته ای مخالف دستیابی بازیگران دیگر به این نوع تسلیحات است. این مسئله در میان اوراسیا گرایان و با تکیه بر نقش ابرقدرت هسته ای به میزان بیشتری در سیاست خارجی روسیه توجه شده است. رهبران روسیه که در تاثیر هویت اوراسیا گرایی خود را ابرقدرت مسلط در اوراسیا می دانند. این نگرانی را دارند که در صورت افزایش توانمندی های ایران در صورت پیشرفت های وسیع در برنامه هسته ای و یا دستیابی احتمالی به تسلیحات هسته ای، ایران ظرفیت ظهور به عنوان یک رقیب برای روسیه در سطح منطقه را خواهد داشت. پس اولویت های روسیه هم در روابط دوجانبه و هم در گفت و گوها، جلوگیری از افزایش قدرت ایران و حفظ برتری روسیه در منطقه به عنوان ابرقدرت هسته ای و ابرقدرت منطقه ای است. در همین زمینه روسیه در مراحل گوناگون گفت و گوهای هسته ای و همچنین در روند تدوین

توافق نهایی هسته‌ای بر ضرورت بازرسی‌های گسترده از تاسیسات ایران تاکید داشته است (هادیان و زرگری، ۱۳۹۷: ۲۵۶-۲۵۷).

۴-۳- گفتمان نو اوراسیا گرایی (قدرت بزرگ هنجارمند از سال ۲۰۰۰ به بعد): الکساندر دوگین پایه گذار نظریه چهارم سیاست (نواوراسیاگرایی) است. از نظر اوراسیاگرایان روسیه منافع دائمی و نه دوستان دائمی دارد و در قدم اول باید نوعی عمل‌گرایی را پیش بگیرد که در پی آن روسیه، هم یک قدرت آسیایی هم یک قدرت اروپایی شناخته شود. از دیدگاه دوگین جهان آینده نباید با مرکزیت آمریکا شکل بگیرد بلکه باید چندین کانون بزرگ قدرت به وسیله شبکه‌های اتحاد بین کشورهای مختلف ایجاد شود تا با یک جهان چندگانه قدرت روبه رو شود. دوگین کشورهای مختلفی مانند ژاپن، هند، اسرائیل، ترکیه و البته ایران را پایه اتحادیه‌ای که نو اوراسیا می‌نامد، در نظر می‌گیرد. روند تلاش‌های مسکو برای ایجاد رابطه گسترده با کشورهای آسیایی به ویژه منطقه غرب آسیا و خلیج فارس و ایران را می‌توان در تقویت رویکرد اوراسیا گرایانه آن جست‌وجو کرد. ایران بخش بسیار مهمی از ایدئولوژی اوراسیا گرایی دوگین را تشکیل می‌دهد که این مسئله به نوبه خود به آیین نخبگان سیاسی روسیه تبدیل می‌شود. روسیه باید در کنار ایران قرار بگیرد و حتی در مسئله هسته‌ای از ایران حمایت کند چون ایران هسته‌ای به ضرر آمریکاست نه روسیه. به نظر دوگین ایران از نظر اقتصادی، نظامی (حتی با سلاح هسته‌ای) یا از نظر جمعیت شناختی برای روسیه هیچ خطری ندارد و در اکثر سخنرانی‌ها ایران را متحد اصلی روسیه به حساب می‌آورد. اعتقاد دارد ایران به قدرت منطقه‌ای در غرب آسیا تبدیل می‌شود (علویان و حسن نیارمی، ۱۳۹۸: ۴۲۷-۴۲۸).

اوراسیا گرایان به دو گروه سنتی و جدید تقسیم می‌شوند اوراسیاگرایان سنتی یا کلاسیک توجه کمی به ایران داشتند اما اوراسیا گرایان جدید به ویژه دوگین، ایران را استوارترین متحد روسیه در خارج از کشورهای شوروی سابق در نظر می‌گرفتند. از نظر دوگین ایران به عنوان قدرت قاره‌ای در نظر گرفته می‌شد که می‌توانست با تفاوت بسیار بیشتری از دیگر کشورهای مسلمان در منطقه که بعضی از آن‌ها مانند ترکیه و عربستان سعودی که فقط به ابزاری در دست آمریکا تبدیل شده بودند، به طور کامل دنباله رو سنت قاره ای روسیه باشد (خلفی و طاهرخانی، ۱۳۹۰: ۱۳).

با این حال در حال حاضر موج دیگری در روسیه در مورد ایران در حال رشد است که ایران به عنوان متحد مسکو بدبین هست. این نگاه بدبینانه به ویژه در سال‌های اخیر و صرف‌نظر از بی‌ثباتی‌های موجود در سیاست خارجی روسیه برنخبگان روس سایه افکنده است که پیش‌بینی می‌شود در آینده نیز ادامه یابد (علویان و حسن نیارمی، ۱۳۹۸: ۴۳۰).

به طور کلی در روسیه دیدگاه‌های متفاوتی بر روابط دو کشور سایه افکنده بود. در زمان مدودف، دیدگاه خاص ایشان نگاه بیشتر به غرب و اتحادیه اروپا بود و از طرف دیگر در آن زمان گروه‌های متعددی اعم از احزاب سیاسی و برخی از کارشناسان سیاسی در بخش‌هایی از بدنه دولت و وزارت خانه‌های روسیه مانند وزارت خارجه، وزارت دفاع و وزارت خانه‌های دیگر مثل وزارت نفت و انرژی روسیه دیدگاه مثبتی نسبت به ایران نداشتند و جمهوری اسلامی ایران را نه به عنوان یک رقیب بلکه به عنوان کشوری غیر قابل اعتماد نگاه می‌کردند. در بعضی موارد مانند زمینه‌های انرژی به ویژه نفت، گازوئیل و گاز، جمهوری اسلامی ایران را رقیب خود می‌دانستند. با تغییر قدرت در روسیه و روی کار آمدن پوتین چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌المللی این دیدگاه‌ها به حاشیه رانده شد و گروه‌های کارشناسی که در وزارت خارجه روسیه که نگاه آن چنان مثبتی به نوع روابط با ایران نداشتند در حال حاضر در مورد توسعه و گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران سکوت کرده و یا دفاع می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت کمتر صدای مخالف یا صدای ایرادات منفی نسبت به روابط ایران و روسیه شنیده می‌شد (فولادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۳).

در همکاری هسته‌ای ایران و روسیه نیز پذیرش چارچوب نقش‌هایی ملهم از گفتمان اوراسیاگرایی و عمل‌گرایی قرار دارند. مواضع مسکو در دوران اجرایی شدن برجام در قبال این موضوع نیز متأثر از همین فرض و رویکرد است. به طوری که طی دوران اجرایی شدن برجام، مسکو همواره بر ضرورت حفظ و اجرای این توافق هسته‌ای تأکید داشتند و حتی نقض این توافق و عدم تعهد به آن را خطر بزرگی معرفی کرده‌اند (خلفی و طاهرخانی، ۱۴۰۰: ۱۳).

۴- متغیر نظام بین‌الملل

همانگونه که در بحث نظری توضیح داده شد یکی از مولفه‌های کلیدی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی بر پایه نظریه روزنا، متغیر سیستمی یا نظام بین‌الملل است. در موضوع هسته‌ای ایران نیز سطح

سیستمی همواره نقش تأثیرگذاری ایفا کرده است، بنابراین بدون توجه به این سطح نمی‌توان تحلیل واقع بینانه و درستی از مناقشه هسته‌ای ایران با بازیگران خارجی بویژه روسیه ارائه نمود. در ادامه دغدغه‌های مشترک ایران و روسیه که موجب نزدیکی این دو کشور در مساله هسته‌ای و موضع‌گیری مشترک آنها در برابر غرب شده است را بررسی خواهیم کرد.

۱-۴- مقابله با گسترش غرب در منطقه خاورمیانه: هر دو کشور ایران و روسیه حضور ایالات متحده در سوریه را یکی از مهم‌ترین چالش‌های خود می‌دانند و خواستار خروج آنها شدند علاوه بر این هر دو کشور ایران و روسیه در حوزه انرژی نفت و گاز با سلطه شرکت‌های غربی و فرامیلتی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز مخالف هستند (عسکری و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۳۳).

۲-۴- نفوذ در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس: ایران در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه از موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک بالایی برخوردار است و نفوذ زیادی در کشورهای اسلامی دارد، به همین خاطر نقش ایران در سیاست خارجی مسکو برای نفوذ در خاورمیانه و کشورهای اسلامی بسیار مهم است. همچنین روسیه به خاطر ذخایر غنی نفت و اهمیت استراتژیک منطقه خلیج فارس سیاست‌هایش را با کشور ایران، عراق و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس متوازن ساخته و از طریق گسترش همکاری‌های همه جانبه با ایران، نفوذ خود را در منطقه خلیج فارس گسترش دهد (فولادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۷).

۳-۴- مقابله با رشد و گسترش تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی: منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از اقوام و ملیت‌های متنوعی به وجود آمده که در قالب جمهوری‌های مختلف قرار گرفته‌اند. نفوذ معنوی و فرهنگی ایران در این جمهوری‌ها، به اندازه‌ای است که می‌تواند احساسات ضد روسی را در میان این ملت‌ها برانگیزد و روسیه با درک این واقعیت سعی دارد از طریق گسترش همکاری‌ها با ایران، از تشدید مسائل قومی و مذهبی در منطقه جلوگیری کند (فولادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۹-۲۱۰).

۴-۴- جلوگیری از نفوذ ناتو به شرق: اغلب دولتمردان روسیه مخالف رشد و گسترش ناتو به شرق هستند و آن را ضد منافع ملی کشورشان می‌دانند. ایران نیز که گسترش ناتو را تهدیدی علیه امنیت ملی خویش می‌داند با روسیه در این خصوص منافع مشترک دارد و روسیه سعی کرده است با جلب حمایت ایران، با گسترش ناتو مقابله کند (فولادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۱).

۵-۴- بحران منطقه خاورمیانه (عراق و سوریه): در هر دو بحران سوریه و عراق ایران و روسیه دارای علایق مشترکی هستند. مسئله سوریه نخستین بار ایران و روسیه را در خاورمیانه به لحاظ عملیاتی در یک جبهه قرار داد. به رغم آنکه طی این مدت هم ایران تلاش کرده است تا به نیروی زمینی روسیه تبدیل نشود و هم روسیه تلاش کرده است تا نقش نیروی هوایی ایران را بازی نکند، اما دو کشور از طریق تقسیم وظایف تاکنون توانسته‌اند مانع از دستیابی مخالفان دولت اسد به اهداف خود در این کشور بشوند (شوری، ۱۳۹۴: ۱۴). در مورد عراق نیز، پس از حمله آمریکا و سقوط رژیم صدام حسین، این کشور اهمیت فزاینده‌ای برای ایران یافته است. علاوه بر موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئوکالچری عراق، یکی از مهم‌ترین اهداف ایران از برقراری روابط با این کشور طی سال‌های گذشته مقابله با نفوذ آمریکا بوده است. در سال‌های گذشته، روابط مسکو و بغداد نیز به ویژه در حوزه انرژی و صادرات تسلیحات نظامی افزایش یافته است (فولادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۴).

۶-۴- افزایش توانمندی از طریق افزایش همکاری: ایران از یکسو در رقابت با ایالات متحده و از سوی دیگر در رقابت با سایر قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان و اسرائیل نیاز شدیدی به افزایش توانمندی‌های خود دارد و براین اساس علاوه بر حفظ هم‌پیمانان منطقه‌ای خود تلاش کرده است تا از طریق افزایش مناسبات با روسیه براین توانمندی‌ها افزوده و به نوعی موازنه‌سازی می‌کند.

۷-۴- تحریم‌های ایران و روسیه توسط ایالات متحده: ایران به دلیل تقابل با آمریکا و فعالیت‌های هسته‌ای و استراتژی خاورمیانه‌ای خود هدف سنگین‌ترین تحریم‌ها از سوی ایالات متحده قرار گرفته است (رفیعی بصیری و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۰).

روسیه نیز پس از یک دوره تلاش برای فتح مناسبات با ایالات متحده هدف تحریم‌های غرب و ایالات متحده قرار گرفت در این میان با وخیم‌تر شدن روابط روسیه با ایالات متحده و غرب از زمان آغاز بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، مسکو تلاش‌های خود را برای گسترش روابطش با ایران افزایش داده است. این افزایش همکاری‌ها باعث شده تا روابط دو کشور به سطح استراتژیک برسد (فولادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۸).

۸-۴- مخالفت ایران و روسیه با نظام تک قطبی، سلسه‌مراتبی و یک جانبه‌گرایانه آمریکا: ایران

و روسیه از تداوم موقعیت حاکم بر نظام بین‌الملل که در آن آمریکا داعیه‌دار رهبری هژمونیک در سطح جهانی است، ناخشنود هستند. علاوه بر این، ایران و روسیه هر کدام داعیه‌دار هژمونی مناطق پیرامونی خود هستند و از این حیث در تضاد و تعارض با هژمونی جهانی آمریکا قرار می‌گیرند.

۹-۴- موازنه قوا در خاورمیانه: ایران از اهمیت زیادی برای روسیه به منظور ایجاد موازنه قوا در

منطقه خاورمیانه برخوردار است؛ زیرا تعارض منافع و اهداف ایران با کشورهای چون عربستان سعودی و ترکیه می‌تواند بلند پروازی‌های منطقه‌ای این کشورها را تا حد زیادی کنترل کند (کوچک زاده تهمتن و گودرزی، ۱۴۰۰: ۳۷۹).

در تحلیل نهایی می‌توان گفت، توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ فراتر از انتظارات روسیه بود. با به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای و انعقاد برجام، روس‌ها هم مانند دیگر کشورهای غربی وادار شدند مشروعیت فناوری غنی‌سازی اورانیوم در ایران را به رسمیت بشناسند. «مقامات مسکو توسعه تسلیحات هسته‌ای توسط یک کشور غیرهسته‌ای را غیرقابل قبول می‌دانند، اما تا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ماهیت صلح‌آمیز آن را تأیید کند، هیچ تهدیدی از سوی یک برنامه هسته‌ای غیرنظامی قوی در ایران نمی‌بینند (Margojev, 2022). روسیه در موضوع چگونگی حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران، تعریف مشخصی داشته است که مرزهای آن را، عدم هسته‌ای شدن نظامی ایران از یک سو و جلوگیری از خطر بروز جنگ و توسل به زور از سوی دیگر، تشکیل می‌داد. روسیه به دلیل تجربه‌ای که از چین داشت و کمکی که به هسته‌ای شدن چین کرد، هیچ علاقه‌ای ندارد که اقداماتش باعث شود یک قدرت هسته‌ای جدید در همجواری روسیه شکل بگیرد و به همین دلیل محدودیت‌ها و سختگیری‌های بسیار بیشتری در حوزه انتقال فناوری‌های حساس وضع کرده‌است. در واقع در قالب استراتژی‌های بلندمدت روسیه، ایجاد قدرت‌های هسته‌ای جدید و رقیب در منطقه پیرامون روسیه یک تهدید امنیتی برای این کشور تلقی می‌شود. با این حال برجام، راه حلی رضایت بخش و میانه‌ای بین هسته‌ای شدن ایران و خطر بروز جنگ بود، بنابراین مسکو از آن استقبال نمود.

در نتیجه برجام، موانع حقوقی و بین‌المللی برای همکاری با ایران برطرف گردید و کشورهایی همانند روسیه که ابزار لازم برای مواجهه با غرب در شورای امنیت و نهادهای بین‌المللی دارند از فرصت مغتنمی برای عبور از موانع و فضای سیاسی و اجرایی ساختن توافقات خود با ایران برخوردار و ضرورتی

برای پاسخگوئی و در نظر گرفتن ملاحظات دیگران ندارد. اجرای فازهای بعدی نیروگاه هسته ای بوشهر، همکاری‌های نظامی و فروش سلاح‌های متعارف پیشرفته، پیشنهادات تجاری و ارتباطی، از جمله مواردی است که در فضای جدید در دستور کار این کشور قرار دارد.

از لحاظ امنیتی نیز این شرایط برای روسیه یک وضعیت ایده‌آل است چرا که اطمینان زیادی در تامین امنیت مرزهای جنوب این کشور بویژه در آسیای مرکزی، قفقاز و دریای خزر ایجاد می‌کند. به خاطر همین شرایط، روسیه افزایش قدرت نظامی و توان بازدارندگی ایران را موجب آرامش و تضمینی برای تداوم ثبات در منطقه پرآشوب خاورمیانه می‌داند و تحویل تجهیزات راهبردی مانند سامانه اس ۳۰۰ پس از مدت‌ها فراز و نشیب، برای منافع ملی این کشور، مقبولیت و توجیه پیدا می‌کند.

از منظر اقتصادی نیز از نظر روسیه، بازار ایران فرصتی برای ساختارها و بنگاه‌های اقتصادی این کشور است آن هم در شرایطی که بازارهای محدودی برای تولیدات و محصولات روسی وجود دارد و تولیدکنندگان این کشور حتی در بخش‌های دارای مزیت، با رقابت سختی مواجه می‌باشند. از این رو، پیشنهاداتی مانند: تسهیل شرایط برای فعالیت تجار و بازرگانان دو کشور، امکان صادرات ایران به بازارهای روسیه، ایجاد منطقه آزاد تجاری بین روسیه و اتحادیه اوراسیا، اتصال کریدور حمل و نقل شمال- جنوب و ساخت نیروگاه‌های جدید هسته ای مطرح و در دستور کار قرار می‌گیرد. (حسینی، ۱۳۹۵).

در جمع‌بندی می‌توان گفت؛ روس‌ها بر اساس نگاه واقع‌گرایانه و ارزیابی خود از تحولات ایران، به دنبال چند لایه کردن مناسبات و خارج ساختن آن از ساختار سنتی همکاری‌های نظامی و هسته‌ای هستند. از منظر مسکو، وضعیت ایران در دوران پس از برجام به گونه‌ای است که روسیه می‌تواند و باید که طرح‌های متنوعی با ایران اجرایی نماید و شاهد پیوندهای بیشتری بین دو کشور باشد. در عین حال روسیه در مناسبات با ایران، ضمن علاقمندی برای واقعی نمودن تعاملات که میلیارد‌ها دلار ظرفیت دارد نیم نگاهی نیز به مناسبات با مجموعه غرب دارد. طبعاً روسیه برخوردار از تعاملات قوی با محیط پیرامونی، قدرت چانه زنی این کشور با غرب را بالا خواهد برد. سخن آخر اینکه در یک نگاه واقع-گرایانه، هیچ دو کشوری نگاه صرفاً محدود و استثنائی برای هم ندارند و در نهایت منافع ملی تعیین‌کننده رفتارهای هر دولت است. دنیای امروز، محیط همکاری و تعامل با همه بازیگران است و روابط تهران مسکو نیز انتخابی در چارچوب این مرزها و گزینه‌هاست.

جدول ۱؛ رویکرد سیاست خارجی روسیه به مسئله هسته‌ای ایران در دوره پس‌اقدام

متغیرهای نظریه پیوستگی روزنا	یافته‌های پژوهش
فرد	پلتسین؛ شخصیتی غرب‌گرا و متمایل به غرب، با ایران میانه خوبی نداشت اما پس از این که به گفتمان اوراسیا‌گرایی متمایل شد با ایران همکاری‌هایی را آغاز کرد. مدودف؛ به همراهی با ایران تمایل داشت و در زمینه هسته‌ای به ایران کمک کرد. پوتین؛ در دوره اول و دوم ریاست جمهوری بیشتر نگاهی منفعت طلبانه به ایران داشته است- حفظ رابطه و همکاری با ایران تا جایی که به منافعش آسیب وارد نشود. در دوره سوم ریاست جمهوری پوتین نیز سیاست عمل‌گرایی دارد و سعی می‌کند از پرونده ایران برای امتیازگیری از غرب استفاده کند.
نقش	جهت‌گیری سیاست خارجی روسیه مبتنی بر اصل اساسی منافع و حفظ ابرقدرتی خود است بنابراین، در رابطه با ایران منافع اقتصادی را مدنظر قرار داده و سعی می‌کند از ایران حمایت کند.
حکومت	در روسیه رئیس‌جمهور در رأس قدرت قرار دارد و اکثر تصمیمات سیاست خارجی توسط رئیس‌جمهور گرفته می‌شود سایر مقامات و وزارت خانه‌ها مسئول اجرای آن‌ها هستند.
جامعه	سیاست خارجی روسیه ناشی از گفتمان‌های هویتی ۴گانه است؛ آتلانتیک‌گرایی- اوراسیا‌گرایی نو اوراسیا‌گرایی و گفتمان هنجارمند. آتلانتیک‌گراها گرایش بیشتری به غرب داشته و زیاد مایل به ارتباط با ایران نبودند به همین دلیل در زمان که این گفتمان غالب بود روسیه به تعهداتش عمل نمی‌کرد. اوراسیا‌گرا هم متمایل به شرق بودند و هنگامی که این گفتمان غالب می‌شد روسیه به مخالفت با تحریم و قطع نامه علیه ایران متمایل می‌شد.
نظام بین‌الملل	براساس این متغیر ایران و روسیه در سطح نظام بین‌الملل اشتراکاتی دارند که براساس آن‌ها سیاست خارجی خود را جهت می‌دهند ۱. مقابله با گسترش غرب در منطقه خاورمیانه ۲. نفوذ در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس ۳. مقابله با رشد و گسترش تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی ۴. جلوگیری از نفوذ ناتو به شرق ۵. بحران منطقه خاورمیانه شامل بحران عراق و بحران سوریه ۶. افزایش توانمندی از طریق افزایش همکاری ۷. مسئله اوکراین و تحریم‌های روسیه توسط ایالات متحده ۸. مخالفت ایران و روسیه با نظام تک قطبی و یک جانبه‌گرایی آمریکا ۹. موازنه قوا در خاورمیانه

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه پیوستگی سطح تحلیل جیمز روزنا تلاش گردید به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که روسیه نسبت به موضوع انرژی هسته‌ای ایران در عصر پساجام چه رویکردی را اتخاذ کرده است و دلایل و انگیزه‌های اتخاذ آن رویکرد چه بوده است؟ چنانکه اشاره شد، روس‌ها بر اساس نگاه واقع‌گرایانه و ارزیابی خود از تحولات ایران، به دنبال چند لایه کردن مناسبات و خارج ساختن آن از ساختار سنتی همکاری‌های نظامی و هسته‌ای هستند. از منظر مسکو، وضعیت ایران در دوران پس از برجام به گونه‌ای است که روسیه می‌تواند و باید که طرح‌های متنوعی با ایران اجرایی نماید و شاهد پیوندهای بیشتری بین دو کشور باشد. روسیه با توجه به منافع استراتژیک خود، مایل به تقویت تعاملات خود با ایران در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی است و نمی‌خواهد حضور در پروژه‌های سودآور ایران از جمله در مورد همکاری در زمینه استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای را از دست بدهد. سیاست خارجی روسیه در قبال ایران و مسئله هسته‌ای آن کشور، بر پایه منافع ملی و همچنین به وسیله هنجارها و تعهدات بین‌المللی مسکو و تأثیر کشورهای ثالث تعیین می‌شوند. در رابطه با ایران موضع روسیه، اهمیت داشتن جلوگیری از زور و حتی تهدید استفاده از قدرت نظامی علیه ایران است. روسیه گرچه به هیچ قیمتی نمی‌خواهد ایران به تسلیحات هسته‌ای دسترسی پیدا کند و در صورتی که این اتفاق بیفتد، مسکو ترجیح می‌دهد به جای دشمنی با تهران، در جایگاه دوستی با آن قرار گیرد چرا که از دست دادن ایران برای روسیه همانند از دست دادن خاورمیانه و خاور نزدیک و همه کشورهای جهان اسلام خواهد بود. روی هم رفته، برپایه متغیرهای سطح تحلیل جیمز روزنا رویکرد روسیه نسبت به انرژی هسته‌ای ایران را به شکل زیر می‌توان تبیین نمود. در سطح فردی؛ پوتین رهبر فعلی روسیه است، از لحاظ فردی ملی‌گرا، عملگرا و واقع‌نگر و وفادار به اصلاحات روسیه است. پوتین در رابطه با ایران با حمله نظامی غرب به ایران مخالف است اما نمی‌خواهد ایران هم هسته‌ای شود. در سطح نقش؛ اصل اساسی در سیاست خارجی روسیه نوسازی اقتصادی، دستیابی به جایگاه بایسته در فرایندهای رقابت جهانی و بازگرداندن جایگاه روسیه در عرصه بین‌الملل به عنوان قدرت بزرگ است. در سطح حکومتی؛ روسیه یک کشور فدرال نیمه ریاستی است و در این کشور شخص رئیس‌جمهور که در حال حاضر ولادیمیر پوتین است قدرت بسیاری نسبت به هم‌تایان خود در سایر کشورهای جمهوری چه با نظام ریاستی و چه نیمه ریاستی یافته است و عملاً رئیس‌جمهور در بسیاری از امورات توانایی اعمال قدرت

دارد. در سطح اجتماعی؛ در این کشور ۴ گفتمان وجود دارد که سیاست خارجی طبق این گفتمان‌ها پایه‌ریزی می‌شود؛ گفتمان ملی‌گرا: این گفتمان خود را در تضاد با آمریکا می‌داند و به استفاده ابزاری از ایران متمایل هستند و به همکاری نظامی گسترده با ایران تمایلی ندارند. گفتمان آتلانتیک‌گرایان؛ این گفتمان به غرب متمایل است و به ایران کمتر بها داده می‌شود. گفتمان اوراسیاگرایی؛ این گفتمان برای ایران اهمیت سیاسی و امنیتی قائل است. گفتمان نو اروسیا گرایی؛ این گفتمان به گونه‌ای تعادل شرق و غرب است و معتقد است ایران هسته‌ای برای روسیه هیچ خطری ندارد و آمریکاست که باید از هسته‌ای شدن ایران بترسد و در نهایت در نظام بین‌الملل؛ ایران و روسیه هر دو دغدغه‌های مشترک زیادی در زمینه ژئوپلیتیکی و نظام بین‌الملل دارند. در تحلیل نهایی می‌توان گفت؛ در میان متغیرهای جیمز روزنا تاثیر متغیر جامعه و گفتمان‌های هویتی روسیه بیش‌تر از سایر متغیرها است و در صورت غالب شدن این گفتمان جهت‌گیری‌ها و سیاست خارجی روسیه نیز همزمان تغییر پیدا می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- آقای، داوود؛ ثمودی، علیرضا؛ موسوی، مهدی (۱۳۸۹). آمریکا و روسیه، رقابت و منازعه. علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ۱۲ (۳)، ۶۳-۲۹.
- افشار بکشلو، فاطمه (۱۳۹۱). سیاست دولت پوتین و جایگاه الیگارشی روسیه. آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۰ (۷۷)، ۱-۲۳.
- اسماعیلی، مصطفی؛ نوری، ولی‌الله (۱۴۰۰). سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران: بررسی سیاست دموکرات‌ها. سیاست جهانی، ۱۰ (۴)، ۲۵۹-۲۸۴.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین و مددوف. مطالعات روابط بین‌الملل، ۹ (۳۳)، ۵۴-۹.
- بهرامی مقدم، سجاد؛ ستوده، علی اصغر (۱۳۹۳). مناظره های هویتی و تحول سیاست خارجی روسیه. پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۲ (۲)، ۴۳-۲۳.
- ثمودی پله رود، علیرضا؛ اکبری، محمد (۱۳۹۱). پوتین؛ تغییر یا تداوم سیاست خارجی روسیه در دوره جدید. آسیای مرکزی و قفقاز، ۷۷ (۱۸)، ۷۸-۵۵.
- حسینی، سید احمد (۱۰ مهر ۱۳۹۵)، روسیه و ایران پس از برجام، قابل دسترسی در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/>
- جعفری، علی اکبر؛ شفقت نیا، جواد (۱۴۰۱). عوامل موثر بر تصمیم سازی روسیه نسبت به اسرائیل. مطالعات اوراسیا مرکزی، ۱۵ (۱)، ۵۱-۲۷.
- خلفی، جعفر؛ طاهرخانی، علی (۱۴۰۰). رویکرد سیاست خارجی روسیه به پرونده هسته‌ای ایران. مطالعات منافع ملی، ۱ (۲۶)، ۲۱-۱.
- دهشیری، محمدرضا؛ آخشی، مسعود (۱۳۹۹). مطالعه رفتار امنیتی کره شمالی در سیاست خارجی از منظر نظریه پیوستگی جیمز روزنا. دانش تفسیر سیاسی، ۱ (۶)، ۱۹۲-۲۲۹.
- شوری، محمود (۱۳۸۸). روسیه، آمریکا و مسئله ایران. راهبرد، ۱۸ (۵۱)، ۷۳-۵۹.
- صادقی، محسن (۱۳۹۷). سیاست خارجی روسیه در قبال ایران در دوره پوتین بعد از سال ۲۰۱۲. مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۱ (۴۱)، ۱۱۶-۸۹.
- صادقی، شمس الدین: مرادی، سمیرا (۱۳۹۶). تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۰ (۱)، ۱۷۰-۱۵۳.

- عطایی، جاسم (۱۳۹۸). بررسی سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران براساس نظریات نو امپریالیستی ژئروفسکی. مطالعات منافع ملی، ۴(۱۶)، ۱۵۹-۱۹۰.
- عابدی، عقیقه (۱۳۸۸). سیاست خاورمیانه ای روسیه. راهبرد، ۱۸(۵۱)، ۱۰۹-۱۳۲.
- عابدی اردکانی، محمد؛ عسکری، امیرحسین (۱۳۹۸). واکاوی دلایل دیپلماسی تهاجمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۸۴). سیاست، ۴۹(۲)، ۴۳۱-۴۵۲.
- عسکری، امیرحسین؛ صالحی، جواد؛ الماسی، مصطفی (۱۴۰۰). بررسی روابط خارجی ایران و روسیه پس از انقلاب اسلامی (مقایسه دهه های ۸۰ و ۹۰ شمسی). پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۱(۳۹)، ۱۲۳-۱۳۷.
- علویان، مرتضی؛ حسن نیارمی، لیلا (۱۳۹۸). نو اورا سیا گرایی و سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۲(۲)، ۴۱۹-۴۳۴.
- فولادی، فرهاد؛ جویباری، یوسف؛ جمشیدی راد، جعفر (۱۳۹۸). سیاست خارجی روسیه در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۸-۲۰۱۲). پژوهش های روابط بین الملل، ۹(۱)، ۲۱۸-۱۸۷.
- کریمی کشته، سعید؛ قوام، عبدالعلی؛ موسوی زاده، علیرضا؛ ذاکریان امیری، مهدی؛ هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۹). نگاه جامعه شناسانه سیاسی به نگرش قدرت های بزرگ به برنامه هسته ای ایران و کره شمالی. جامعه شناسی سیاسی ایران، ۳(۲)، ۱۳۷-۱۰۵.
- کوچک زاده تهتمن، رضا؛ گودرزی، مهناز (۱۴۰۰). عوامل موثر بر جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سیاست خاورمیانه ای روسیه (۲۰۱۱-۲۰۱۷). مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی، ۱۱(۴۳)، ۳۵۷-۳۸۴.
- کولایی، الهه؛ نوری، علیرضا (۱۳۸۹). عمل گرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه. سیاست، ۴۰(۲)، ۲۰۹-۲۲۸.
- مرادی، مهرداد؛ مرادی، جهانبخش؛ کریمی فرد، حسین؛ روحی دهینه، مجید (۱۴۰۲). تأثیر جایگاه روسیه در ساختار قدرت جهانی بر مسئله هسته ای ایران (از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳). مطالعات بین المللی، ۲۰(۱)، ۳۰۵-۳۲۷.
- محمدی نو دهکی، مجتبی؛ اصغری، محمدرضا؛ جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۵). بررسی سیاست خارجی روسیه در مورد جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر برنامه هسته ای ایران). سیاست پژوهی ایران، ۲(۸)، ۱۱۳-۱۳۲.
- موسوی، حمید؛ ذوالقدر، مالک؛ پرتوی، اصغر (۱۴۰۰). بررسی نقش بازیگران سیاست خارجی در دوره پهلوی دوم (براساس مدل جیمز روزنا). تاریخ و روابط خارجی، ۲۳(۹۰)، ۱۴۶-۱۲۵.

- موسوی، حامد؛ نائینی، امین (۱۳۹۸). توسعه روابط روسیه-اسرائیل و تاثیر آن بر منافع ایران. سیاست، ۴۹ (۲)، ۵۱۴-۵۹۵.
- موسوی شفقانی، مسعود؛ بازگرد، محمدتقی (۱۳۹۵). راهبرد گسترش نفوذ در سیاست خارجی پوتین. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۹ (۲)، ۳۷۷-۳۹۴.
- مولایی، یوسف؛ زرگری، هادی (۱۳۹۵). روسیه و شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران. آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۲ (۹۴)، ۱۰۳-۱۳۱.
- نوروزی، نورمحمد؛ رومی، فرشاد (۱۳۹۳). چشم‌انداز روسی به روابط ایران و روسیه (۱۳۹۲-۱۳۸۴). پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۳ (۱)، ۹۳-۱۱۷.
- نوری، وحید؛ حسینی، حسین (۱۳۹۸). فردگرایی در سیاست خارجی آمریکا در دوره دونالد ترامپ: نتایج و پیامدها. مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۲ (۴۶)، ۱۷۹-۲۱۶.
- ولی‌پور مطلق، شایان (۱۴۰۰). سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه. یازدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.
- هادیان، ناصر؛ زرگری، هادی (۱۳۹۷). روسیه و پرونده هسته‌ای ایران، رویکرد به گفت و گوها و ایفای نقش در به دست آوردن توافق. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۱ (۱)، ۲۶۳-۲۴۷.
- Islam, T (2010). "Iran's Nuclear Policy: Russia's Perspective". Central European Journal of International and Security Studies 4(2), 1-10.
- Margojev, Adlan, (August 2022), A Russian perspective on Iran's final offer for a nuclear deal, <https://thebulletin.org/۰۸/۲۰۲۲/a-russian-perspective-on-irans-final-offer-for-a-nuclear-deal/>
- Grajewski, N. (2020). "Russia and Iran in Greater Eurasia". Middle East Insights, 239(1), 1-7.
- Marleku, A. (2012). "Small states foreign policy: the case of Kosovo". Alternatives: Turkish Journal of International Relation, 11(3), PP. 79-97.
- Orlov, V; Vinnikov, A. (2005). "The Great Guessing Game: Russia and the Iranian Nuclear Issue". The Washington Quarterly, 28(2), 49-66.
- Rosenau, J (1971). "The Scientific Study of Foreign Policy". New York: The Free Press.
- Rosenau, J (2006). "The Study of World Politics: Theoretical and Methodological Challenges". London and New York: Rutledge.

Starr, H. (1998). "Rosenau, Pre-Theories and the Evolution of the Comparative Study of Foreign Policy". *International Interaction*, 14(1), 1-12.

